

آرش: دریچه ای که نباید بسته شود

تراب حق شناس

آرش دوازده ساله شده و تجربه ای در مجموع مثبت و ثمربخش به بار آمده است. پیگیری و ادامه کاری یکی از نشانه های جدیتی ست که در یک کار فردی یا اجتماعی می توان دید. کافی ست دستی بر آتش فعالیت مطبوعاتی داشته باشیم تا این نکته را تصدیق کنیم. من از شماره ۱۱ (مورخ دسامبر ۱۹۹۱) با آرش همکاری داشته ام با مقاله «شکوه انتفاضه و تنهایی یک ملت»، و حالا شماره ۸۵ است که زیر چاپ می رود. متعدد اند دوستان محترمی که هر یک به نحوی و گاه زننده در جدیت و اعتبار آرش، تردید می کردند و سرانجام وارد صف طولانی همکاران آن شدند و به آن مقاله دادند. باز فراوان اند علاقه مندانی تک افتاده در گوشه و کنار جهان که انتشار شماره جدیدی از آن را انتظار می کشند. آرش افت و خیزها، دردها و آرزوها، تردیدها و ناکامی ها و استقامت جامعه تبعیدی چپ را در طیف وسیع و رنگین کمانی خود بازتاب داده و دریچه ای ست از ارتباط و دیالوگ که به روی این جامعه تبعیدی و «اتمیزه» گشوده شده است. اگر از آن نسیم بهاری و امید و مبارزه و آگاهی و نقد بوزد یا بوی نفرت انگیز تسلیم و ساده اندیشی و انحراف به راست و ارتجاع به مشام برسد شك نیست که از همین جامعه برخاسته است.

آرش، به نظر من، نه نشریه ای ماهانه یا فصلنامه حرفه ای، بلکه ادامه فعالیت تبلیغی و انتشاراتی طیف چپ سال های قبل و بعد از قیام ۵۷ است. نشریه ای حرفه ای به معنای رایج کلمه نیست زیرا بودجه و سرمایه گذاری و پشتیبانان مالی و آگهی دهنده ندارد و شورای نویسندگان یا تحریریه و دفتر و دستک، دارا نیست (چون همه داوطلبانه کار می کنند)، بلکه یک نیاز همگانی به باز بودن این دریچه وجود دارد که به همت و کوشش سرسختانه مدیر و مؤسس آن همچنان باز نگه داشته شده است. آرش غالباً سرمقاله هم ندارد، ولی چنانکه می بینیم به معنای بی موضعی نیست. آرش نمی تواند خود را تا حد همپالگی برخی مطبوعات دست راستی حرفه ای پایین بیاورد. آرش امروز دارای شخصیتی حقوقی ست که دامنه عمل و اثر آن از حیطه شخصیت فردی مدیر یا هر یک از همکاران آن نیز فراتر می رود، شخصیتی حقوقی که از مجموع جبری همه دست اندرکاران آن در می گذرد و هیچ کمبود و انحرافی از جانب هرکدام از همکاران را نباید به کل نشریه تعمیم داد.

چه بسیارند استعدادها، اندیشه ها، دردها و گفتنی ها که اگر این دریچه و این نشریه نبود به روی کاغذ نمی آمد و اگر نوشته می شد شاید مجالی برای انتشار نمی یافت و در اختیار دیگران قرار نمی گرفت. به اعتبار این جویبار است که چشمه های فراوان از گوشه و کنار دنیا قطره قطره جوشیده و در حد خود به غنای این جویبار کمک کرده و بهتر بگوییم آن را آفریده اند. این نکته را به ویژه در مورد داستان کوتاه و شعر می توان به عنوان نمونه ذکر کرد، به طوری که هرکس بخواهد در عرصه تولید ادبی ایرانیان تبعیدی سال های گذشته مطالعه ای را به پیش ببرد از مراجعه به آرش بی نیاز نیست. چنانکه کسانی هم این کار را کرده اند.

آرش مجله تبعید است و تبعیدی بودن و خواست تبعیدی ماندن بر بسیاری از مطالب اش سایه افکنده است. سازش و تلاش برای بازگشت «به زیر سایه بوم» به هر قیمت، و بزک کردن رژیم از آن گونه که در مطبوعات گروه های دنباله رو «اصلاحات» دیده شده کمتر در آرش دیده می شود. تبعید با همه ابعاد فردی و اجتماعی و جسمی و روانی آن، با همه تناقضات عمیق یا سطحی اش، با همه دستاوردهای مادی و معنوی ناشی از آشنایی با دنیاها و افق های نوین در آرش بازتاب داشته و از این لحاظ اسنادی در خور مطالعه ای جامعه شناسانه فراهم آمده است.

تقریباً کلیه عرصه هایی که ذهن متشتت جامعه ایرانی در تبعید بدانها مشغول بوده در آرش منعکس شده و اگر قرار باشد از همین مجموعه آرش که تا کنون منتشر شده کتاب هایی فراهم آید، مجموعه هایی مفید از این دوره تبعید با دستاوردهای مثبت و منفی و درس آموز آن به کتابخانه زبان فارسی افزوده خواهد شد. اکنون به برخی از برجسته ترین موضوعات که در آرش آمده اشاره می کنیم:

- مهم ترین مسأله تبعیدیان وجود جمهوری اسلامی ست و سرکوب و سانسور و اختناق و آدمکشی هایش در داخل و خارج. این را تقریباً بدون استثنا در کلیه شماره های آرش می توان دنبال کرد، به خصوص دوسیه های متعدد در باره قیام بهمن و نیز جوانب گوناگون عملکرد این رژیم و تحولات جاری آن. مطالب فراوان خواندنی و قابل نقد که گویای تأملات درست و نیز ساده انگاری ها و توهم ها و تزلزل ها و خوشخیالی های برخی از تبعیدیان است، به ویژه با طرح مسأله بازگشت در دوره رفسنجانی که بعضی ها تبلیغات رژیم را باور کرده بودند و نیز همزمان با روی کار آمدن خاتمی و «اصلاح طلبان». همچنین در بسیاری از مقالات نوعی درک تقلیل گرایانه نسبت به رژیم حاکم بر ایران وجود دارد و غالباً آن را به عنوان رژیم اسلامی، رژیم دینی، رژیم ملایان توصیف می کنند. اگر سقف تحلیل و برخورد به رژیم ابعاد دیگری به خصوص ماهیت سرمایه دارانه آن را دربر می گرفت شاید به عنوان یک تعبیر پذیرفتنی بود ولی غالباً فراموش می شود که ماهیت سرمایه داری وحشی و حریصانه رژیم همواره از دین به عنوان یک چاقو، یک سلاح، یک مخدر استفاده کرده و در راه تثبیت قدرت سیاسی اش به کار گرفته است. تمام ادعاهای دینداری رژیم وقتی پای منافع اش به میان آید در نظرش به پیشیزی نمی آرد. خدای رژیم جمهوری اسلامی بهتر استثمار می کند، بهتر می کشد و قدرت حاکمان کنونی را بهتر تحکیم می نماید. شکی نباید داشت که اگر سیاست و بقای رژیم ایجاب کند خود اسلام را نیز با یک معلق کنار خواهند گذاشت. جناح هایی از رژیم امروز دارند خود را از نظر تئوریک آماده چنین استحالته ای می کنند. من تردید ندارم که قدرت سیاسی و مالی و نظامی برای رژیم جمهوری اسلامی فوق قدرت خداوندی و برکات او ست. آن ها که گمان می کنند با زدن اسلامیت رژیم «ماست خور» او را گرفته اند چندان هم بر صواب نیستند.

- مسائل زندان و تجارب و زیر و بم ها و تسلیم و مقاومت ها.

- مسائل مربوط به حقوق بشر و نقض آن در ایران

- در باره وضع نابسامان اقتصادی و بیکاری و فقر و گرانی روزافزون مردم هرچند مقالاتی هست ولی به دلیل آن که برای تبعیدیان مادیت ندارد چندان بدان پرداخته نشده است.

- وضع نابسامان فرهنگی و کتاب های درسی و اسلامی نویسی.

- بزرگداشت قربانیان کشتار زندانیان سیاسی، به ویژه جنایت هولناک سال ۱۳۶۷.

- آثار و بازتاب جنگ ایران و عراق، جنگ آمریکا با عراق در سال ۱۹۹۱ و بالاخره مسائل مربوط به جنگ با

تروریسم در مقالات مختلف و نیز جنگ ویرانگر آمریکا که منجر به اشغال عراق شد در سال ۲۰۰۳.

- تلاش برای تشکیل کانون نویسندگان در ایران از «متن ۱۳۴» تا ترور و تصفیه فیزیکی برخی از نویسندگان

مبارز و بعضی از فعالین سیاسی، همچنین پرداختن به تاریخچه کانون از سال های دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ و بعد.

- انعکاس برخی از آثار نویسندگان داخل کشور، مصاحبه با آنان و اخبار کانون نویسندگان ایران.

- چنانکه قبلاً هم اشاره شد، توجه به فعالیت های ادبی و هنری از داستان و رمان و شعر تا فیلم و تئاتر و

نقاشی و موسیقی، که نمونه های قابل توجهی از آن ها بازتاب یافته است.

- مسأله دموکراسی به طور کلی و امکان استقرار آن در ایران با همه جدیت و نیز با سرخوردگی ها و ابهام

ها و خوش بینی ها و خوشخیالی هایی که به دنبال آورده است.

- مصدق و جنبش ملی ایران

- کمونیسم، احزاب و سازمان ها و جنبش کارگری در ایران با تاریخچه و تجاربی از گوشه و کنارهای

گوناگون. آرمان ها، فداکاری ها، دستاوردها، اشتباهات و خطاها و نقد آن ها از دیدگاه های مختلف با چندین مصاحبه،

و نیز با مقالاتی درباره عرصه های جهانی این جنبش. اما مبارزات کارگری کنونی کم بازتاب دارد.

- انعکاس تلاش هایی که به ویژه در سال های اخیر در محافل روشنفکری و دانشگاهی چپ اروپا و آمریکا

برای بازگشت به مارکس و تجربه نظری و عملی مارکسیسم دیده می شود به ویژه کنگره بین المللی مارکس، صد و

پنجاهمین سال مانیفست کمونیست، و ده ها مقاله حول اعتبار تئوری مارکسیستی در حال حاضر.

- مسائل زنان، فمینیسم، رابطه ستمی که بر زنان می رود با اسلام، مبارزات زنان در ایران، تجمع ها و بنیادهای پژوهشی حول مسائل زنان، گزارش مراسم ۸ مارس در مناطق مختلف تبعید، با دوسیه های متعدد و مصاحبه ها. این بخش از غنی ترین بخش ها در آرش است.

- جنبش دانشجویی ایران در دوره های مختلف برآمد آن و انعکاس اهداف و تحلیل آن ها در نظرخواهی ها و مقالات.

- اگر، به دلیل تبعیدی بودن و فقدان شرایط عینی، توجه به مسائل داخل کشور کمتر مورد توجه است در عوض ابعاد جهانی قضایا مانند جهانی شدن سرمایه و افکار و ایده هایی که در دهه اخیر مطرح شده بیشتر مورد توجه بوده است. کنفرانس های ۸ کشور صنعتی در داوس و تظاهرات ضد داوس، سیاتل و جنوا و پورتو الگره نیز جای خود را در صفحات مجله باز کرده اند.

- به لائسیته نیز به دلیل اهمیتی که در مرحله کنونی از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی دارد تا حدی پرداخته شده است.

- توجه به ابعاد جهانی آزادی و دموکراسی و مبارزه خلق ها در راه رهایی از استعمار و امپریالیسم باعث شده که مقالات متعددی در این باره به چاپ برسد. تحولات قضیه فلسطین یعنی مبارزه مشروع ملتی که بیش از ۵۰ سال است مشعل مبارزه با ستم و اشغال را در دست دارد به نحوی رضایت بخش منعکس شده است. آرش توانسته است با برخورد سیاسی و لائیک به این قضیه عادلانه، نه تنها در نقطه مقابل تبلیغات ارتجاعی جمهوری اسلامی حول فلسطین قرار گیرد، بلکه به سبک خود پاسخی داده است به نشریات دست راستی ایرانی که بارها و بارها ستون هایی از روزنامه شان را در اختیار تبلیغاتچی های اسرائیل قرار می دهند و با انواع جعل و تحریف می کوشند مبارزه عادلانه ملتی اسیر و برادر را بی اعتبار جلوه دهند و وانمود کنند که گویا مسأله فلسطین مسأله ایرانیان نیست! غافل از اینکه ایرانیان آگاه همبستگی با ملت تحت ستم و مبارز فلسطین را برای خویش وظیفه و افتخار می دانند و برخلاف دست راستی های سلطنت طلب، به تأیید استعمارگران و آدمکشان اسرائیلی نمی پردازند. آرش با انعکاس مبارزه عادلانه این ملت تعهدی مبارزاتی و مترقیانه را انجام می دهد.

- معرفی و بازتاب مبارزات زاپاتیست ها و خلق های ستمدیده آمریکای لاتین، آفریقا و کردستان و افغانستان. افشای فشارهای امپریالیسم آمریکا بر کوبا با ۴۰ سال محاصره اقتصادی و سیاسی برای به زانو درآوردن ملتی کوچک اما با اراده که می کوشد بر پای خود بایستد و تن به تسلیم آمریکا ندهد.

- در عرصه ضروری و مهم نقد، نقد اندیشه ها، کتاب، فیلم و آثار هنری و تجارب سیاسی نیز آرش بدون دستاورد نبوده است و چه بهتر که در این عرصه قدم های جسورانه تری برداشته شود. جامعه ما چه در داخل و چه در خارج در عرصه نقد بهره چندانی ندارد و این نقیصه مهمی ست که باید جبران شود. تعارف و نان قرض دادن، بده و بستان و یا حمله های مغرضانه که گاه در اینجا و آنجا به جای «نقد» به خورد خواننده داده می شود باید جای خود را به برخوردی راستین بدهد.

کوتاه سخن آنکه نگاه انتقادی ما به خودمان، به تاریخ و جامعه و نخبگان مان ما را از داشتن توقع های دور از دسترس باز می دارد. به گمان من، در سطحی از رشد فکری و اجتماعی و مدنی که قرار داریم آرش به هیچ رو در مرحله ای نازل تر نیست، همین جامعه تبعیدی ما ست همراه با پرتوی از آگاهی و نقد که در یافتن راه برون رفت یاور ما تواند بود.